با ایران توشه
یک قدم جلوتر
باش!

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت



ایران توشه، مرجع دانلود فایل های کمک آموزشی دانش آموزان و کنکوری ها

همه چیز
برای موفقیت
تو!

- دانلود رایگان آزمون های آزمایشی قلمچی، خیلی سبز، گاج و ...
- دانلود رایگان گام به گام تمامی دروس
- دانلود رایگان نمونه سوالات امتحانی (نوبت اول و دوم) و امتحانات نهایی
- دانلود رایگان جزوه های کمک آموزشی و شب امتحانی

کافیست هر فایلی که نیاز دارید را در گوگل به این صورت جستجو کنید:

فایل مورد نیاز + ایران توشه

مثال:

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه



irantooshe.ir

t.me/irantooshe

گام به گام نگارش (۱) دهم
درس ششم

عنوان فصل: نوشته‌ی ذهنی (۲): سنجش و مقایسه

از صفحه‌ی ۸۶ تا صفحه‌ی ۹۷ کتاب

در این فایل پاسخ فعالیت‌ها، کارهای کلاسی، تمرین‌ها و پرسش‌های فصل نوشته‌ی ذهنی (۲): سنجش و مقایسه آمده است.

مباحث فصل: سنجش و مقایسه، کارگاه نوشتن، هنجار نوشتار ۶، شعرگردانی

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir

تهیه‌شده در ایران‌توشه، توشه‌ای برای موفقیت

irantooshe.ir

فهرست پرسش‌ها

۱ صفحه ۰۹۱ کارگاه نوشتن ۱ — پیدا کردن موضوع‌های مقایسه‌شده ... ۴

۲ صفحه ۰۹۴ کارگاه نوشتن ۲ — نوشته‌ی ذهنی با روش سنجش و مقایسه ... ۵

۳ صفحه ۰۹۵ کارگاه نوشتن ۳ — ارزشیابی نوشته‌ی دوستان بر پایه‌ی سنجه‌ها ... ۶

۴ صفحه ۰۹۷ شعرگردانی — درک و دریافت شعر کرم شب‌تاب ... ۷

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

نوشته‌های زیر را بخوانید و مشخص کنید نویسنده برای نوشتن آنها چه چیزهایی را با هم مقایسه کرده است؟

متن یک جنگ واژه‌ای سه حرفی است. صلح هم سه حرف دارد؛ اما واژه‌ی جنگ خشک و خشن است. صلح نرم و ناز. رنگ جنگ سیاه است و بالاتر از سیاهی رنگی نیست. صلح، سپیدجامه است. مثل کوه‌های بلند در زمستان که بهاری سبز را نوید می‌دهند. زیر علَم جنگ، دشمنان خیمه زده‌اند و زیر بیرق صلح، دوستان. بعید می‌دانم کسی، دشمنی را بر دوستی ترجیح دهد. سعدی هم بر همین باور است که می‌گوید: پای در زنجیر، پیش دوستان بِه که با بیگانگان در بوستان. جنگ با خودش چه می‌آورد: ناشکیبی، ناآرامی، زلزله؛ اما صلح همراه با شکیبایی، آرامش و سادگی است. صدای آژیر آتش‌نشانی، نمودی از جنگ و اضطراب است. صدای رسای اذان، پیغامی برای صلح و دوستی با خلق و خداست. اگر بخواهیم برای جنگ، هیبت جانوری را فرض کنیم، فکر می‌کنیم، دیو مناسب باشد. برای صلح هم سیمای رستم، برازنده است. گرگ و بره هم می‌توانند نماینده‌ی خوبی برای جنگ و صلح باشند. ناز بودن بره با چنگ و دندان گرگ چه نسبتی دارد؟ چوپان نی می‌نوازد، گوسفندان در دشت پراکنده می‌شوند و علف به دهان، به نوای چوپان گوش می‌دهند؛ اما ناگهان گرگ سر می‌رسد و گله وحشت می‌کند. چوپان از جا برمی‌خیزد و موسیقی زیبای نی به هی‌هی و وای‌وای بدل می‌شود. اگرچه در تمامی جنگ‌ها انسان حاضر و ناظر است؛ اما ذات انسان با جنگ همخو نیست. گاهی جنگ مانند مهمان ناخوانده به سراغ انسان می‌آید. مثل سیل و زلزله که یک دفعه، خانه‌ی آرامش آدمی را فرو می‌ریزد و آن را مثل سیل با خودش می‌برد. فرشته‌ها صلح‌دوست هستند و سکوت را دوست دارند. البته جنگ اگر در راه آرمان و اعتقاد باشد، مانند هر سختی و رنج، جنبه‌های سازنده هم دارد؛ انسان را آبدیده می‌کند و روح او را می‌پرورد و پالایش می‌کند.

متن دو دیدن به هنر نیست، به دانش هم نیست. مرغ‌ها هم می‌بینند. موش‌ها هم می‌بینند. گوسفندها و گرگ‌ها هم می‌بینند. آدم‌ها هم می‌بینند. آدم‌ها گاهی مثل مرغ‌ها می‌بینند، گاهی مثل موش‌ها، برخی همچون گوسفندان و برخی مانند گرگ‌ها. پس دیدن به هنر نیست، به دانش هم نیست. حتی به آدم بودن هم نیست. مرغ‌ها هستی را نقطه‌نقطه می‌بینند. هر نقطه‌ای یک دانه ارزن، یک دانه‌ی گندم، یک حشره‌ی مرده، یا هر چیز دیگری که با چینه‌دان سازگار باشد. نقطه‌ها به هم نمی‌چسبند. لحظه‌ها هم. زندگی یک نقطه بیشتر نیست. یا یک لحظه. هر لحظه‌ای یک نقطه است. درست مثل دانه‌ی ارزن، یا هر چیز دیگری که با چینه‌دان سازگار باشد. آن یک نقطه که تمام شد، نقطه‌ی دیگر درست مانند نقطه‌ی قبلی است. اما شاید مرغ‌ها استعداد آدم شدن ندارند، آدم‌ها استعداد مرغ شدن را داشته باشند. موش‌ها شاید هستی را به همان تونل‌های پرپیچ‌وخمی می‌شناسند که همه مثل هم هستند. یک سر به انبار خوراکی‌ها و طعمه‌ها، آن سر دیگر به حریم خانه. درازی راه با طول زمان یکی است. رفت و برگشت، یک زندگی کامل است. هر بار همان است که پیش از آن بوده است. وقتی همه‌ی رفت و برگشت‌ها مثل هم باشند، زندگی یک رفت و برگشت بیشتر نیست. موش‌ها زندگی را می‌بینند، برخی آدم‌ها استعداد این‌گونه دیدن را دارند؛ اما شاید موش‌ها، استعداد آدم شدن را نداشته باشند. روزی که گوسفند جوانی را سر می‌بریدند، چندتا گوسفند دیگر هم آنجا بودند. دیدم که گوسفندها این واقعه را نمی‌بینند؛ اما علف‌ها را می‌دیدند. گاهی آدم‌ها چقدر شبیه گوسفندها

می‌بینند. گرگ‌ها، بیشتر سگ‌ها را می‌بینند تا آدم‌ها را. گوسفندها هم در نگاه آنها شاید سگ‌هایی ترسو هستند که باید خفه شوند. من نمی‌دانم که آدم چگونه باید ببیند؛ اما این را می‌دانم که نمی‌توانم نگاهم را از تاریکی‌ها برگیرم. زندگی برایم نقطه‌های جدا از هم نیست. زندگی برای مرغ‌ها روشن و آشکار است، یک نقطه، خواه گندم یا هر چیز دیگر. زندگی برای موش‌ها روشن است، یک راه رفت و برگشت. زندگی برای گوسفندان هم روشن است، علف، علف، علف. مرغ‌ها، موش‌ها، گرگ‌ها، سگ‌ها، همه انگار زندگی را می‌بینند. شاید از آن رو که تاریکی را نمی‌بینند. گستره‌های روشنایی‌ام قایق کوچکی است در ظلمات بی‌کرانه. دیدن به هنر نیست. به دانش هم نیست. دیدن برای من، شاید، تقلاکردنی است در ظلمات به سمت روشنایی.

متن یک: نویسنده «جنگ» و «صلح» را با هم سنجیده است و برای نشان دادن تفاوت آنها هر کدام را به چیزهای دیگری پیوند زده است:

- واژه‌ی «جنگ» (خشک و خشن) با واژه‌ی «صلح» (نرم و ناز)؛
- رنگ جنگ (سیاه) با رنگ صلح (سپید، مثل کوه‌های بلند و برفی)؛
- زیر پرچم جنگ (دشمنان) با زیر پرچم صلح (دوستان)؛
- ناشکیبایی، ناآرامی و زلزله با شکیبایی، آرامش و سادگی؛
- صدای آژیر آتش‌نشانی با صدای اذان؛
- دیو با رستم؛
- گرگ (چنگ و دندان و وحشت) با بره (ناز و آرامش)؛
- جنگ با مهمان ناخوانده، سیل و زلزله؛ و صلح با فرشته‌ها و سکوت.

متن دو: نویسنده «دیدن» را در موجودهای گوناگون با هم مقایسه کرده است: دیدن مرغ (هستی را نقطه‌نقطه و مثل دانه‌ی ارزن می‌بیند)، دیدن موش (زندگی را یک تونل رفت و برگشت می‌بیند)، دیدن گوسفند (فقط علف می‌بیند) و دیدن گرگ (سگ و گوسفند را می‌بیند). همچنین دیدن این موجودها را با دیدن آدم‌ها و در پایان با دیدن خود نویسنده، که در ظلمات به سوی روشنایی تلاش می‌کند، مقایسه کرده است. او دیدن را با «روشنایی و تاریکی» نیز پیوند زده است: همه‌ی آنها زندگی را روشن می‌بینند، چون تاریکی را نمی‌بینند.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.
irantooshe.ir

۲ صفحه ۹۴ **کارگاه نوشتن ۲**

موضوعی را انتخاب کنید و با استفاده از روش «سنجش و مقایسه»، یک متن ذهنی بنویسید.

موضوع: .....

متن نوشته:

موضوع: مقایسه‌ی «مداد» با «انسان».

بعضی از مدادها مانند انسان‌ها هستند: بعضی از مدادها همیشه تیز و آماده‌اند و بعضی تا کسی آنها را نتراشد، کار نمی‌کنند. بعضی از مدادها هر چه می‌نویسند، می‌شود پاک کرد و بعضی با خط پررنگ می‌نویسند و جای آنها می‌ماند. بعضی از مدادها برای دیگران کوتاه می‌شوند تا حرفی روی کاغذ بماند؛ بعضی هم فقط خودشان را نگه می‌دارند و هیچ‌وقت تمام نمی‌شوند. بعضی از مدادها رنگارنگ‌اند و دنیا را قشنگ‌تر می‌کنند؛ بعضی هم یک‌رنگ‌اند و فقط سیاه می‌نویسند. بعضی از مدادها وقتی می‌شکنند، رها نمی‌شوند و دوباره تراشیده می‌شوند؛ بعضی را هم از همان اول دور می‌اندازند. بعضی از انسان‌ها مانند مدادها هستند: بعضی از آدم‌ها وقتی تیز می‌شوند، بهتر می‌نویسند، یعنی با سختی‌ها قوی‌تر می‌شوند. بعضی از آدم‌ها پاک‌کن دارند و اشتباه‌هایشان را اصلاح می‌کنند. بعضی از آدم‌ها هر چه کوتاه‌تر می‌شوند، تجربه‌ی بیشتری از خود به جا می‌گذارند؛ مثل معلمی که عمرش را برای شاگردانش می‌گذارد. و بعضی از آدم‌ها فقط روی کاغذ سفید زندگی دیگران خط می‌کشند!

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir

۳ صفحه ۹۵ کارگاه نوشتن ۳

به نوشته‌ی دوستانتان که خوانده می‌شود، با دقت گوش دهید و آنها را بر بنیاد سنجه‌های زیر ارزشیابی کنید. ردیف ۱: پیوند زدن یک موضوع با موضوع‌های دیگر (۳) ردیف ۲: بهره‌گیری مناسب از روش سنجش و مقایسه (۳) ردیف ۳: مناسب بودن ترتیب بیان رخدادها (۲) ردیف ۴: رعایت انسجام در نوشته‌ی ذهنی (۲) ردیف ۵: پرهیز از نگارش جمله‌های طولانی (۲) ردیف ۶: استفاده از واژه‌های مناسب فضای متن (۳) ردیف ۷: شیوه‌ی خواندن (۲) ردیف ۸: رعایت املا و نکات نگارشی (۳) جمع‌بندی (۲۰)

برای نمونه، دوستی متنی با موضوع «کتاب و دوست» می‌خواند: «کتاب مثل دوست است؛ هر وقت سراغش بروی، حرف تازه‌ای دارد. بعضی کتاب‌ها مثل دوست‌های قدیمی‌اند و بعضی مثل مهمان کوتاه‌مدت. کتاب هیچ‌وقت قهر نمی‌کند، ولی اگر مدت زیادی سراغش نروی، پر از گرد و غبار می‌شود.» ارزشیابی نمونه:

ارزشیابی نمونه

ردیف	سنجه	بارم	نمره	دلیل
۱	پیوند زدن یک موضوع با موضوع‌های دیگر	۳	۲	کتاب با دوست و مهمان پیوند خورده؛ می‌شد موضوع‌های بیشتری آورد.
۲	بهره‌گیری از سنجش و مقایسه	۳	۳	شباهت و تفاوت‌ها خوب بیان شده است.
۳	ترتیب بیان رخدادها	۲	۲	ترتیب منطقی است.
۴	انسجام نوشته‌ی ذهنی	۲	۲	جمله‌ها به هم مربوط‌اند.
۵	پرهیز از جمله‌های طولانی	۲	۲	جمله‌ها کوتاه‌اند.
۶	واژه‌های مناسب فضای متن	۳	۲	واژه‌ها مناسب‌اند، اما تکرار «مثل» زیاد است.
۷	شیوه‌ی خواندن	۲	۱	کمی تند خوانده شد.
۸	املا و نکات نگارشی	۳	۳	غلطی دیده نشد.
	جمع‌بندی	۲۰	۱۷	

برای بهتر شدن نوشته پیشنهاد می‌شود از مقایسه‌های بیشتری استفاده شود و خواندن آرام‌تر و با مکث انجام گیرد.

۴ صفحه ۹۷ **شعرگردانی**

شعر زیر را بخوانید، درک و دریافت خود را در چند سطر بنویسید.

مگر دیده باشی که در باغ و راغ بتابد به شب، کرمکی چون چراغ یکی گفتش، ای کرمک شب‌فروز چه بودت که بیرون نیایی به روز ببین کاتشی کرمک خاکزاد جواب از سر روشنایی چه داد که من روز و شب جز به صحرا نیم ولی پیش خورشید پیدا نیم (بوستان، باب سوم)

مفهوم شعر: در این شعر از کرم شب‌تابی سخن رفته که شب‌ها در باغ و دشت مثل چراغ می‌درخشد. شخصی از او می‌پرسد: «چرا روزها بیرون نمی‌آیی؟» کرم شب‌تاب جواب می‌دهد که من روز و شب در صحرا هستم، اما در برابر خورشید دیده نمی‌شوم.

شبی در باغ، کرم کوچکی را دیدم که مانند چراغی کوچک می‌درخشید. کسی از او پرسید: «تو که این‌قدر روشن هستی، چرا روزها دیده نمی‌شوی؟» کرم شب‌تاب گفت: «من همیشه همین‌جا هستم، اما نور من پیش نور خورشید دیده نمی‌شود.» از این شعر یاد می‌گیرم که کسی که کم می‌داند و کوچک است، وقتی در برابر انسان بزرگ و دانا قرار می‌گیرد، نباید خودنمایی کند. انسان‌های بزرگ همیشه فروتن‌اند و آنان که اندک دانشی دارند، نباید خود را بزرگ بدانند. ارزش هر کسی وقتی معلوم می‌شود که در کنار بزرگان قرار گیرد.